



در سالروز میلاد حضرت زهرا<sup>(س)</sup>، با هدف ترویج مشارکت اجتماعی، جشنواره کیک در بوستان بسیج برگزار شد

## نمایش هنر خانگی در بیرون از خانه

### ● کار فرهنگی خارج از چهارچوب مسجد

فرمانده بسیج پایگاه فاطمه الزهرا<sup>(س)</sup> در محله کوی مهدی، یکی دیگر از متولیان اصلی این رویداد فرهنگی است. او به لزوم توسعه فعالیت های فرهنگی فراتر از فضا های سنتی تأکید می کند و می گوید: کار فرهنگی نباید صرفاً در چارچوب مسجد و پایگاه بسیج تعریف شود؛ بلکه برای دستیابی به اثرگذاری بیشتر، باید این برنامه ها را به فضا های عمومی مانند بوستان ها منتقل کرد.

کبری ساعدی که تجربه برگزاری این جشنواره را حدود دو سال پیش داشته است، می گوید: دوره اول این برنامه با استقبال همراه شد. به همین دلیل امسال تصمیم گرفتیم آن را در بوستان تازه تأسیس بانوان برگزار کنیم که باز هم با استقبال خوبی روبه روشد. یکی از اهداف اصلی این رویداد، فعال سازی ظرفیت های موجود در محله بود که از آن جمله می توان به اجرای نمایش های ورزشی دختران محله، تئاتر و سرود و بازارچه بانوان محله اشاره کرد.

این رویداد با حضور بیش از پانصد بانوی محله برگزار و در بخشی از برنامه، به صورت ویژه از چهار نسل متوالی از بانوان (مادربزرگ، مادر، نوه و ننیبه) که در جشن حضور داشتند، تجلیل شد.

این برنامه یکی از مصوبات آذرماه شورای اجتماعی محله فجر بود که با همکاری بانوان محله و مشارکت پایگاه ابودر غفاری یک در محله فجر و پایگاه فاطمه زهرا<sup>(س)</sup>، کانون فرهنگی تبلیغی نورا، حوزه یک الزهرا<sup>(س)</sup> و همراهی معاونت فرهنگی شهرداری منطقه ۴ اجرا شد.

به صورت گروهی و شانزده کیک به صورت انفرادی پخته شده بود. پس از داوری، از هفت شرکت کننده برتر که کیک هایشان کیفیت و طعم بهتری داشت، قدردانی شد.

او درباره تأثیر این برنامه ها بر بانوان می گوید: چنین جشن هایی نقش مهمی در افزایش نشاط و انرژی بانوان دارد. وقتی زنان محله کنار هم قرار می گیرند و توانایی هایشان را در فضایی دوستانه به اشتراک می گذارند، احساس تعلق و انگیزه بیشتری پیدا می کنند.

خاکپور توضیح می دهد که حضور در این جمع ها باعث شکل گیری ارتباطات تازه می شود؛ ارتباطاتی که نه تنها روحیه آن ها را تقویت می کند، بلکه به شادابی خانواده ها هم کمک می کند. او می افزاید که ایجاد انگیزه در مادران برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی، یکی از دستاوردهای مهم چنین رویدادهایی است.

پنجشنبه گذشته، گوشه ای از بوستان شهربانوی بسیج، میزهایی چیده بودند که از رنگ و عطر دلپذیر کیک های متنوع پر شده بود. ردیفی از کیک های شکلاتی و سوسه انگیز کنار هم چیده شده و هرکدام تابلویی از ذوق و هنر بانوان محله بود. تزیینات متنوع کیک ها، از خامه گل دار گرفته تا میوه های تازه و شکلات های براق، نشان از سلیقه های مختلف هنرمندان داشت. در روز فرخنده سالروز میلاد حضرت زهرا<sup>(س)</sup>، بانوان محله گرد هم آمده بودند تا در فضایی صمیمانه، شیرینی این مناسبت را با هم قسمت کنند.

عطر کیک های خانگی در فضا پیچیده بود و همه به گفت و گو و خنده، به این گرد همایی دوستانه، شور و نشاط بخشیده بود.

### ● ایجاد انگیزه با مشارکت بانوان

زهرا خاکپور، عضو شورای اجتماعی محله فجر و از برگزارکنندگان برنامه، می گوید: می خواستیم بانوان محله کنار هم جمع شوند و هنرشان را با هم به اشتراک بگذارند. به گفته او، نتیجه گفت و گو و همفکری جمعی از بانوان، برگزاری جشن «نذر مادر» بود؛ جشنی که در آن هر شرکت کننده کیک می پخت و در رقابتی سالم شرکت می کرد. خاکپور تأکید می کند که این برنامه، فرصتی برای ترویج فرهنگ خانه داری و ارزش گذاری بر کار بانوان بود؛ در عین حال زنان محله در یک رویداد اجتماعی نیز نقش آفرین شدند. استقبال شرکت کنندگان چشمگیر بود؛ حدود ۲۱ کیک به این جشنواره رسید که پنج کیک



شهروند محله عباس آباد از ۸ سال اعتیاد و ۲۱ سال پاک شدن می گوید

## روایتی از اعماق تاریکی

فرزانه شهامت | کاش زن و بچه ام از در که می روند بیرون، تصادف کنند تا از دیه شان پولی نصیبم بشود و راحت مواد بخرم. در عالم نشنگی، چیزهایی از ذهن حسین می گذشت که امروز از بازگوکردنشان، شرمناک است. او پنجاه و یک ساله است و از شهروندان محله عباس آباد، خود را به دفتر شهرآرامحله رسانده است تا از راه تجربه اش بگوید: راهی که او را از شب های سیاه اعتیاد به روزهای سپید پاک رسانده است.

### ● دورهمی های سیاه

تاسیکل خواند و مدرسه را رها کرد، نه به این خاطر که در بهره هوشی یا علاقه به درس، کم داشته باشد؛ او رفقای بدی داشت؛ «توی دورهمی هایمان مصرف تریاک، یک جور سرگرمی بود. منتظر بودیم پدر و مادرمان بیرون مهمانی، رفقا را خبر می کردیم که بیایید، خانه خالی است. مواد می کشیدیم و خیال می کردیم اختیار میزان مصرف، دست خودمان باقی می ماند.»

بی وقفه ادامه می دهد: از خدمت سربازی که برگشتم، بیست و سه ساله بودم. ازدواج کردم و دوباره برگشتم سر بساط مصرف مواد. یک بیماری هم داشتم که به راحتی قابل درمان بود. الان می دانم که ناشی از کمبود شدید برخی ویتامین ها در بدنم بوده است. من به جای پیگیری درمان، بهانه جور کرده بودم برای مصرف مخدر. یک بار در روز مصرفم، شد دوبار، سه بار و تمام شبانه روزم را گرفت. یک معتاد تمام عیار شده بودم با دو فرزند که پیش چشمم بودند. اما هشت سال از کودکی و نوجوانی شان را ندیدم.

### ● سرمایه های بر باد رفته

آمار ندارد از تعداد تجربه های ناموفقش برای ترک اعتیاد. لحظاتی مکث می کند و می گوید: بنویسید پنجاه بار! هر بار قطع مصرفم، بین دو روز تا حداکثر سه ماه طول می کشید. شاید دیدن همین تلاش ها و تقلا های بی فایده باعث شده بود که همسرم طلاق نگیرد.

حسین از شغل و ارضیه ای می گوید که سر بساط مصرف مواد به باد داد و زندگی خود و خانواده اش را به خاک سیاه فقر کشانید؛ «کنار شغلم در کارگاه خیاطی، در بولوار دوم طبرسی، ساخت و ساز می کردم. از پدرم ارضیه قابل توجهی به من رسیده بود. همه را دود کردم، رفتم. دیگر پول کرایه خانه را هم نداشتم. به تنها چیزی که فکر می کردم، مصرف مواد بود.»

### ● تولد دوباره

«یک روز رفتم سراغ یکی از رفقای هم خدمتی ام که او هم مصرف کننده بود. گفتم بیا برویم صفا کنیم، قبول نکرد. نشانی جلسه ای را داد در بوستان وحدت. گفت از وقتی به آنجا می رود، دیگر مواد نمی کشد. باور نکردم فایده داشته باشد ولی رفتم. خوب خاطرم هست، ۱۴ فروردین ۱۳۸۳ بود.» قدم گذاشتن حسین به جلسه انجمن معتادان گمنام، آغاز فاصله گرفتنش از اعتیاد بود.

او برای گفتن از حال خوشی که از آن روز به بعد تجربه کرده است، شوق دارد. ضرباهنگ تند کلمات و فنجان جای سرد شده اش، این طور می گویند: «آنجا همگی هم درد بودیم. کسی کاری نداشت



عکس ژوئینی است



راه تجربه

### ● نشر پیام رهایی

حسین پس از هشت سال اعتیاد، ۲۱ سال و هشت ماه است که روزگار را با پاک شدن، سپری می کند. او به کمک رفقای جدید خود، جلسات انجمن معتادان گمنام را به محلات گاز، پنجتن، طبرسی شمالی، وحید، تلگرد و خیرآباد کشانده است تا هم محله ای های دیگر اعتیاد، در کوتاه ترین زمان، خود را به جلسات برسانند. می گوید: هر جاکه حس کنم معتادی هستم می روم؛ از گرم خانه تادان نگاه، کمپ و... می خواهم پیام رهایی از اعتیاد را منتقل کنم. این پیام ها، زندگی من را نجات داد. نه فقط زندگی من، که همسر و سه فرزندم را که حالا همگی تحصیلات عالی دارند. اگر این راه را پیدا نمی کردم، می شدم مثل رفیق نوجوانی ام جعفر که معتاد و در زندان است، یا علی و محمود که به خاطر مصرف مواد مخدر فوت کردند.